

یادداشت ویژه همدان

داود کودرزی

جنگی که شاید هنوز آغاز نشده‌است

آیا امریکا در حال بستن حلقه‌های استراتژیک پیرامون ایران است؟ گاهی جنگ از لحظه‌ای آغاز نمی‌شود که نخستین موشک شلیک می‌شود؛ جنگ ممکن است ماه‌ها پیش از آن، در اتاق‌های تصمیم‌گیری، روی نقشه‌ها و یکدیگر نگاه کنیم، شاید با مجموعه‌ای از اتفاقات پراکنده روبه‌رو باشیم اما اگر آنها را کنار هم قرار دهیم، پرسشی جدی شکل می‌گیرد: آیا امریکا واقعا در حال خروج از خاورمیانه است، یا در حال تغییر آرایش خود برای یک رویارویی بزرگ‌تر در آینده؟ تفاهم موقت تهران و واشینگتن که در خردادماه برای پایان دادن به درگیری و آغاز مذاکرات شکل گرفته بود، در تیرماه فروپاشید و دو طرف بار دیگر در شرایطی از بی‌اعتمادی عمیق قرار گرفته‌اند. ترامپ نیز اخیراً بار دیگر از فشار اقتصادی با «هریه بسیار سخت» به ایران سخن گفته‌است. اما مسئله مهم‌تر از خود تفاهم‌نامه، اتفاقاتی است که هم‌زمان در اطراف ایران در حال رخ دادن است. آیا این تحولات صرفاً مجموعه‌ای از بحران‌های مستقل هستند یا قطعات یک پازل آرای بی‌بزرگ‌تر؟ عراق شاید مهم‌ترین قطعه این پازل باشد. دولت عراق اکنون تحت فشار فزاینده‌ای قرار دارد تا سلاح گروه‌های مسلح خارج از کنترل دولت را در اختیار حکومت مرکزی قرار دهد و برای خلع سلاح گروه‌های نزدیک به ایران نیز ضرابالاجل ۳۰ شهر یور مطرح شده است؛ مقطعی که خروج نیروهای امریکایی از عراق نیز در دستور کار قرار دارد. در نگاه نخست، این یک تناقض است: اگر امریکا قرار است از عراق خارج شود، چرا هم‌زمان مسئله خلع سلاح گروه‌های مسلح پیگیری می‌شود؟ پاسخ می‌تواند در یک تغییر استراتژیک نهفته باشد. شاید امریکا به جای حضور گسترده زمینی و مواجهه مستقیم با نیروهای مسلح، می‌خواهد محیط امنیتی عراق را به گونه‌ای بازتعریف کند که پس از خروج، گروه‌های نزدیک به ایران نتوانند همان نقش گذشته را ایفا کنند. اگر چنین باشد، خروج امریکا لزوماً به معنای کاهش فشار بر ایران نیست، بلکه ممکن است به معنای تغییر ابزار فشار باشد. در لبنان نیز اتفاقی در حال شکل‌گیری است که از منظر استراتژیک نمی‌توان به‌سادگی از کنار آن گذشت. اسرائیل و لبنان با میانجیگری امریکا در باره ساوگر برای نگرانی نظارت بر خلع سلاح حزب‌الله گفت‌وگو می‌کنند و حتی نام چند کشور برای مشارکت احتمالی در این ساوگر مطرح شده‌است. هم‌زمان، خروج مرحله‌ای اسرائیل از جنوب لبنان به روند خلع سلاح حزب‌الله گره خورده است. اینجا باید یک سؤال نظامی پرسید: اگر حزب‌الله در جنگ آینده نتواند یا توان گذشته‌وارد میدان شود، موازنه منطقه‌ای چه تغییری خواهد کرد؟ برای ایران، حزب‌الله فقط یک سازمان لبنانی نیست، بلکه بخشی از عمق راهبردی ایران در برابر اسرائیل محسوب می‌شود. بنابراین محدود شدن توان نظامی حزب‌الله می‌تواند به معنای کاهش یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های ایران برای ایجاد یک جبهه هم‌زمان در شمال اسرائیل باشد. البته اینکه این روند را «حیله» یا «طرح قطعی برای جنگ آینده» بنامیم، نیازمند شواهد بیشتری است اما از دید یک تحلیلگر نظامی، پیامد استراتژیک آن قابل چشم‌پوشی نیست. سوریه نیز دیگر آن سوریه‌ای نیست که در سال‌های گذشته عمق راهبردی ایران را در اختیار داشت. تحولات مرز سوریه و عراق و نگرانی‌های مربوط به جابه‌جایی نیروهای همسوس با ایران نشان می‌دهد که مسیر زمینی ایران تا مدتی‌راوند دیگر مانند گذشته کم و بیش یکپارچه نیست. این مسئله از نظر نظامی بسیار مهم است، زیرا در هر یک از جبهه‌ها خلع سلاح و عمق عملیاتی ایران در عراق و سوریه محدودتر شود، امکان انتقال نیرو، تجهیزات و پشتیبانی به جبهه‌های غربی نیز دشوارتر خواهد شد. یم و دریای سرخ نیز بخشی از همین معادله هستند. ایران طی سال‌های گذشته توانسته بود از طریق متحدان منطقه‌ای خود فشار را در نقاط مختلف خاورمیانه توزیع کند اما هر اندازه این ظرفیت‌ها محدودتر شوند، امکان ایجاد یک جنگ چندجبهه‌ای علیه اسرائیل و منافع امریکا نیز کاهش پیدا می‌کند. بنابراین سؤال اصلی این نیست که انصارالامروز درگیر است یا نه؛ سؤال مهم‌تر این است: آیا در حال شکل‌گیری منطقه‌ای هستیم که در آن ایران در زمان یک بحران بزرگ، نتواند هم‌زمان چند جبهه را فعال کند؟ در این میان، شاید یکی از مهم‌ترین اشتباهات در تحلیل تحولات منطقه‌ای باشد که هر خروج نظامی امریکا را نشانه ضعف بدانیم. ارتش‌های مدرن الزماً برای جنگیدن به حضور گسترده زمینی نیاز ندارند. قدرت هوایی، دریایی، اطلاعاتی، ماهواره‌ای، جنگ الکترونیک، پهپادها، سوخت‌رسانی هوایی و شبکه‌های اطلاعاتی منطقه‌ای می‌تواند جایگزین بخش مهمی از حضور زمینی شوند. بنابراین اگر امریکا بخشی از نیروهای خود را از عراق خارج کند، سؤال درست این نیست که «چند سرباز امریکایی از منطقه خارج شدند؟» بلکه باید پرسید: «چند توانایی‌هایی خارج شد و چه توانایی‌هایی باقی ماند و جایگزین آن شده؟» این نقرات تفاوت بین یک تحلیل سیاسی و یک تحلیل نظامی است. اما آیا هدف امریکا تغییر نظام ایران است؟ اینجا باید با احتیاط بیشتری حرکت کرد. اختلاف راهبردی واشینگتن و جمهوری

اسلامی ایران عمیق است و سخنان اخیر ترامپ نیز نشان می‌دهد فشار بر ایران همچنان یکی از گزینه‌های جدی دولت امریکاست اما از این مسئله نمی‌توان به‌صورت قطعی نتیجه گرفت که تصمیم نهایی امریکا «حمله برای تغییر نظام» است. ممکن است هدف امریکا تغییر رفتار ایران، کاهش قدرت منطقه‌ای، محدود کردن توان هسته‌ای و موشکی، قطع یا کاهش شبکه نیروهای همسو و وادار کردن تهران به پذیرش یک نظم امنیتی جدید باشد. اگر این اهداف بدون اشغال نظامی یا تغییر مستقیم امنیت قابل دستیابی باشند، واشینگتن ممکن است اساساً نیازی به یک جنگ تمام‌عبار نبیند. اما اگر این فشارها به نتیجه نرسند، مسئله می‌تواند وارد مرحله دیگری شود. انتخابات میان‌دوره‌ای کناره امریکا در سال ۱۴۰۴ باید نباید نادیده گرفته شود. تمام ۴۳۵ کرسی مجلس نمایندگان و بخشی از کرسی‌های سنادر معرض انتخاب قرار می‌گیرند و نتیجه انتخابات می‌تواند موازنه سیاسی واشینگتن را تغییر دهد. بنابراین مسئله را نباید به «پیروزی یا شکست ترامپ» تقلیل داد؛ در این تراپ در انتخابات ریاست‌جمهوری شرکت نمی‌کند. مسئله این است که آیا جمهوری‌خواهان کنترل کنگره را حفظ خواهند کرد یا نه؟ اگر جمهوری‌خواهان کنترل خود را حفظ کنند، تراپ از پشتوانه سیاسی بیشتری برای ادامه سیاست فشار برخوردار خواهد بود و اگر بخشی از قدرت کنگره را از دست بدهد، ممکن است سیاست خارج‌جانبی محدودیت‌ها و فشارهای داخلی بیشتری روبه‌رو شود. با این حال، استراتژی امریکارایا در ایران الزماً تغییر تربک کنگره از صفر شروع نمی‌شود؛ برخی اهداف ژئوپلیتیک می‌توانند فراتر از عمر یک دولت باشند.

پس آیا جنگ بزرگ در آینه‌ی امروز می‌بینیم، به‌تنهایی اثبات نمی‌کند که امریکا تصمیم نهایی برای حمله بزرگ به ایران گرفته‌است. اما مجموعه‌ای از تحولات، یک فرضیه جدی را پیش روی ما می‌گذارد. ممکن است امریکا و متحدانش در حال کاهش توان ایران برای جنگ چندجبهه‌ای باشند. لبنان در حال تغییر است، عراق تحت فشار برای قرار دادن سلاح‌ها زیر کنترل دولت قرار دارد، سوریه دیگر عمق راهبردی گذشته را اختیار ایران ندارد، یم درگیر معادلات مستقل خودش است و در طرف مقابل، امریکایزیر حال بازنگری در شکل حضور نظامی خود در منطقه است. اگر این تحولات را کنار هم بگذاریم، شاید با یک «طرح حمله» مواجه باشیم اما می‌توانیم شاهد ساختن شرایطی باشیم که اگر روزی تصمیم به رویارویی گرفته شد، ایران با تعداد کمتر از جبهه‌های فعال و عمق راهبردی محدودتری روبه‌رو باشد. و این، از خود حمله مهم‌تر است زیرا یک استراتژیست واقعی تنها به موشکی که در فدا دلایل یک حمله می‌شاید با یک «موقعیت‌شناسی» خراب‌کننده است، امروز برای شلیک آن موشک آماده می‌شود. ایران نباید نه گرفتار خوش‌بینی ناشی از تفاهم‌های سیاسی شود و نه اسیر هراس ناشی از هر خبر نظامی تفاهمی می‌تواند فروپاشد، همان‌گونه که تفاهم خردنامه در تیرماه فریاد خلع امریکا می‌تواند عقب‌نشینی است. عراق تحت فشار برای قرار دادن سلاح‌ها نیز نیست. اسرائیل می‌تواند از منطقه‌ای خارج شود، اما خروج می‌تواند بخشی از یک توافق امنیتی جدید باشد. و نیروهای منطقه‌ای ممکن است امروز سلاح بر زمین بگذارند، اما معنای این اقدام باید در نقشه جنگ فرانسجیده شود.

روزنامه‌های ایران

سه‌شنبه ۲۷ مرداد ۱۴۰۵ | ۵ ربیع‌الاول ۱۴۴۸ | سرویس سیاسی | ۸۸۵۲۳۰۶۰

گزارش یک

نماینده ولی فقیه در سپاه:

دشمن ناتوان از جنگ نظامی دنبال تصرف اذهان است

سرلشکر ایزدی: با یک‌صدم هزینه‌های دشمن بر آنها غلبه کردیم



نمای نزدیک

تجلیل از «چوان» در روایت جهادی از جنگ

در جریان برگزاری آیین گرامیداشت روز خبرنگار و مراسم تجلیل از راویان خط مقدم رسانه، خبرنگاران و فعالان رسانه‌ای در عملیات‌های وعده صادق ۴ و نصر ۱ و ۲، از روزنامه جوان به‌خاطر روایت مسئولانه و جهادی از دفاع مقدس ۱۲ روزه و ۴۰ روزه با اهدای لوح افتخار تقدیر شد.

نماینده ولی‌فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، با تأکید بر اینکه دشمن پس از ناکامی در تحمیل اراده خود از مسیر نظامی، جنگ شناختی و تلاش برای تصرف ذهن و قلب خبرنگاران و فعالان رسانه‌ای وعده صادق ۴ و نصر ۱ و ۲، از روزنامه جوان به‌خاطر روایت مسئولانه و جهادی از دفاع مقدس ۱۲ روزه و ۴۰ روزه با اهدای لوح افتخار تقدیر شد.

تغییر دستگاه محاسباتی آن است. «هم‌زمان،

جانشین فرمانده کل سپاه نیز با اشاره به تجربه دارای این ویژگی‌ها باشد، می‌تواند در مسیر جهاد قرار گیرد.» وی تأکید کرد که جهاد عرصه‌ها و مراتب مختلفی دارد و هر فرد متناسب با جایگاه و توانایی می‌تواند در یکی از عرصه‌های جهاد نقش آفرینی کند. «دشمن دنبال تصرف مغزها و قلب‌هاست تا شناسختی را یکی از خطرناک‌ترین انواع جنگ دانست و گفت: «سپاری از جنگ‌ها و تهاجم‌های دشمن در نهایت شناختی و نقش رسانه‌ها در این میدان، اظهار کرد: «شهیدا برندگان واقعی همه میدان‌ها، جهاد هستند و شهیدان برای آن ناکست نیست، بلکه اوج کامیابی و پیروزی است.» وی با اشاره به جایگاه خبرنگاران و فعالان رسانه‌ای افزود: «خبرنگاری صرفاً انتقال خبر نیست، بلکه باری از روشنی فراتر از خبررسانی دارد و خبرنگار می‌تواند در عرصه جهاد رسانه‌ای و تبیین حقیقت نقش آفرینی کند».

نماینده ولی‌فقیه در سپاه، با بیان اینکه مفهوم جهاد در ادبیات قرآن بسیار گسترده‌تر از جنگ نظامی است، اظهار کرد: «جهاد الزاماً به معنای قتل و جنگ نظامی نیست، هر تلاش فوق‌العاده‌ای که در برابر دشمن و در راه خدا انجام شود، می‌تواند مصداق جهاد باشد. قلم، زبان،

گزارش ۲

فاطمه بصیری

در حالی که ترامپ از شدت استیصال با توثیت‌های مجلی، مضحک و فریبنده، تازش می‌کند یا معرفی خود به عنوان مالک تنگه هرمز، درد ناشی از ناکامی در جنگ با ایران را مداوا کند، ایران در حال تدوین ترتیبات خود برای مدیریت تنگه هرمز است؛ اقدامی که نشان می‌دهد ایران نه تنها تسلط خود را بر تنگه هرمز حفظ کرده، بلکه فراتر از آن، در مواجهه با هر نوع سنگ‌اندازی سیاسی و حقوقی امریکا و متحدانش در منطقه، عبور و مرور در این تنگه را با قوانین مشروط خود ممکن می‌سازد.

طی روزهای گذشته، کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی، ممنوعیت تردد کلیه شناورهای متعلق به رژیم صهیونیستی یا محموله‌های متعلق به این رژیم، به مقصد یا از مبدأ رژیم صهیونیستی را تصویب کرد.

در همین رابطه، روز گذشته ابراهیم عزیزی، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، در توضیح جلسه مذکور، از بررسی برخی مواد طرح «اقدام راهبردی تأمین امنیت و پیشرفت پایدار تنگه هرمز در خلیج فارس» موسوم به «قانون شهید تنگسیری» خبر داد و گفت: «بر اساس یکی از مواد این طرح، تردد تمامی شناورهای متعلق به رژیم صهیونیستی یا محموله‌های متعلق به این رژیم، به مقصد یا از مبدأ این رژیم ممنوع خواهد شد».

وی در ادامه خاطر‌نشان کرد: «رژیم صهیونیستی باید بداند پس از تصویب این قانون و تأیید آن در مراجع ذی‌صلاح جمهوری اسلامی ایران، به هیچ و از اجاره حضور، عبور و مرور و تردد در خلیج همیشه فارس ا نخواهد داشت».

قانون شهید تنگسیری، نام طرح اقدام راهبردی تأمین امنیت و پیشرفت پایدار تنگه هرمز است که به دلیل مجاهدت‌ها و رشادت‌های بلندگالر شهید بزرگ تنگسیری و نقش ویژه وی در اعمال حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در تنگه هرمز، توسط کمیسیون امنیت ملی تعیین شده‌است.

در چند روز گذشته نیز، مجلس عبور و مرور امکانات و تجهیزات با مالکیت امریکا و رژیم صهیونی و کشورهای متخاصم از تنگه

سپاه پاسداران

سرویس سیاسی | ۸۸۵۲۳۰۶۰

نماینده ولی فقیه در سپاه:

روزنامه‌های ایران

سه‌شنبه ۲۷ مرداد ۱۴۰۵ | ۵ ربیع‌الاول ۱۴۴۸ | سرویس سیاسی | ۸۸۵۲۳۰۶۰

جامعه را از دیگر اهداف جنگ شناختی دانست و گفت: «دشمن تلاش می‌کند دستگاه تحلیلی و تحلیلگران و معیارهای عقلانیت را تغییر دهد و همچنین گرایش‌های فرهنگی و اجتماعی مردم را به سمت مورد نظر خود هدایت کند.» وی خطاب به خبرنگاران و فعالان رسانه‌ای اظهار داشت: «باید اجازه دهیم دیگران برای ما تعریف کنند که چه چیزی پیروزی، شکست، موفقیت یا ناکامی است. شما در میدان جنگ قرار دارید و دشمن نیز با تمام توان در این میدان حضور دارد.»

ایزدی: با یک‌صدم هزینه دشمن بر آنها غلبه کردیم

در ادامه این مراسم، سردار سرلشکر مصطفی ایزدی، جانشین فرمانده کل سپاه، با اشاره به اهمیت نقش رسانه در جامعه ایرانی گفت: «خبرنگاران سرداران جنگ شناختی هستند که در میدان نغاشی می‌کنند.» وی با بیان اینکه جنگ رمضان وضعیت جدیدی را در صحنه جهانی، منطقه‌ای و حتی کشور رقم زد، اظهار کرد: «بعثتی که اتفاق افتاد، ترجمانی دارد و این بعثت، نتیجه بعثت روحی انسان‌هاست.»

جانشین فرمانده کل سپاه ادامه داد: «دشمنان توطئه‌های خفیه دارند تا ایران را ضعیف کنند، اما ایران نه تنها ضعیف نشد، بلکه قوی‌تر در میدان حاضر شد.» ایزدی با اشاره به نتایج رویارویی نظامی اخیر اظهار کرد: «تعداد هواگردهایی که دشمن بعد از این حرکت را رزمنده ملت و حوزه نرم و شناختی در صحنه‌های مختلف ساقط شده، بیش از ۲۰۰ فروند بود و این حرکت آثار و پیامدهای نیز در سطح منطقه و جهان داشته است.» وی افزود: «بزرگ‌ترین قدرت نظامی جهان و عقبه ناتو وارد جنگ با جمهوری اسلامی ایران شدند، اما نظام اسلامی تاب آورد و مستحکم در مقابل دشمنان ایستاد.» جانشین فرمانده کل سپاه با بیان اینکه جمهوری اسلامی حکومتی فردی نیست و حکومتی مبتنی بر انتخاب مردم است، گفت: «نظام مبتنی بر ولایت فقیه توانست پیروز شود.» او افزود: «بزرگ‌ترین قدرت نظامی جهان و عقبه ناتو وارد جنگ با جمهوری اسلامی ایران شدند، اما نظام اسلامی تاب آورد و مستحکم در مقابل دشمنان ایستاد.» جانشین فرمانده کل سپاه با بیان اینکه جمهوری اسلامی حکومتی فردی نیست و حکومتی مبتنی بر انتخاب مردم است، گفت: «نظام مبتنی بر ولایت فقیه توانست پیروز شود.» او افزود: «باید صلابت مردم را در میدان تقویت کنیم و نقش آفرینی ملت در جامعه بیش از پیش افزایش یابد؛ دنیا تشنه معارف ارزش‌ها و حقایق انقلاب اسلامی است.» ایزدی همچنین با اشاره به اقدامات امریکا در منطقه گفت: «امریکا با وجود سرمایه‌گذاری‌های سنگین در افغانستان و حمل تلافیات، دستاوردی به دست نیاورد و در نهایت مجبور به خروج از این کشور شد. در عراق نیز دشمن با وجود برخورداری از ادعای ابرقدرتی شکست خورد و جمهوری اسلامی ایران به برکت خون شهدا، مجاهدت رزمندگان و نفس روحانی حضرت امام(ره) در مسیر انقلاب اسلامی تعریف شد.»

سرزمین و ملت مسلط شود، بنابراین به این نتیجه رسیده است که برای رسیدن به اهداف خود باید مغزها و قلب‌ها را تصرف کند.» نماینده ولی‌فقیه در سپاه با اشاره به تلاش گسترده رسانه‌ای دشمن اظهار داشت: «امروز دشمن در عرصه‌های مختلف با شکست‌ها و مشکلات جدی مواجه است، اما با استفاده از جنگ شناختی تلاش می‌کند خود را پیروز نشان دهد و واقعیت میدان را وارونه جلوه دهد.» وی افزود: «متأسفانه این جنگ شناختی در برخی موارد حتی بر بخشی از تحلیلگران و مدیران داخلی نیز اثر گذاشته است؛ به گونه‌ای که در اوج برخی پیروزی‌ها، عده‌ای دچار تفکر استهفاد شده و تصور می‌کنند راهی جز کنار آمدن با دشمن وجود ندارد.»

مذاکره ابزار است نه هدف

نماینده ولی‌فقیه در سپاه تأکید کرد: «خداوند مذاکره را نفی نکرده‌است، اما نباید مذاکره را ابامید به آشتی و سازش با دشمن اشتباه گرفت. مذاکره ابزار است، نه هدف.» وی ادامه داد: «دشمن برای ایجاد شکاف و از بین بردن انسجام جامعه در عرصه‌های مختلف نظامی، امنیتی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی فشار وارد می‌کند، اما در میان همه این عرصه‌ها، جنگ شناختی اهمیت ویژه‌ای دارد.» وی تصریح کرد: «دشمن فهمیده‌است که با عملیات نظامی و فشار اقتصادی نمی‌تواند بر این

ممنوعیت تردد شناورهای رژیم صهیونیستی با قانون «شهید تنگسیری»

هر مز گلوگاه امنیتی علیه رژیم صهیونیستی می‌شود

می‌تواند قیمت جهانی نفت و هزینه حمل‌ونقل را افزایش داده و هم‌زمان، دسترسی رژیم اسرائیل به برخی مسیرهای انرژی و تجاری مهم را تحت تأثیر قرار دهد.

دیدیموت آحاروسوت در میان جنگ ایران و امریکا نوشت که هرمز، که حدود یک‌پنجم عرضه نفت جهان از آن عبور می‌کند، به یک نقطه خفگی خطرناک تبدیل شده است و بسته‌شدن طولانی مدت آن می‌تواند ماحول‌ها بکشد تا عبور نفتکش‌ها به حالت عادی برگردد.

اما تبعات آن تنها به بخش اقتصادی محصور نمی‌شود و بازتعریف قدرت ایران در تدوین قوانین تردد در تنگه هرمز می‌تواند مباحث نفوذ و امنیت رژیم صهیونیستی را که ستون سیاست این رژیم برای سال‌های آینده است، تحت تأثیر قرار دهد. به گفته رسانه‌های عبری، حملات به کشتی‌های تجاری در این تنگه، به ویژه علیه متحندان اسرائیل در پیمان ابراهیم (مانند امارات)، نشان داده که این آبراه بخشی از جبهه‌ای واحد از سوی ایران و نیروهای نیابتی آن است که از خلیج فارس تا مرزهای اسرائیل (لبنان و سوریه) کشیده شده است. به همین دلیل، این تحولات را «رنگ خطری» برای بازتعریف عمق راهبردی اسرائیل خوانده‌اند.

تحلیلگران می‌گویند که خطر اصلی برای رژیم صهیونیستی این است که موفقیت ایران در تثبیت معادله تنگه هرمز، به معنای فرایش یکی از مهم‌ترین ارکان امنیت داخلی آن، یعنی تداوم سلطه امریکا بر نظم امنیتی منطقه است. استراتژی رژیم صهیونیستی طی چندین دهه بر این فرض استوار بوده که ایالات متحده قادر به حفاظت از مسیرهای تجاری و انرژی، بازدارندگی قدرت‌های منطقه‌ای و تحمیل قواعد درگیری است. اما اگر ایران توانایی مختل کردن کشتیرانی یا تحمیل شرایط خود بر حرت کشتی‌ها را پیدا کند، این امر در عمل به معنای انتقال بخشی از ابتکار عمل استراتژیک در منطقه از واشینگتن به تهران خواهد بود. به همین دلایل، تنگه هرمز برای رژیم صهیونیستی چیزی فراتر از موضوع قیمت انرژی و اقتصاد است. ایران با ایجاد تریبئات خود و ملزم ساختن کشورهای منطقه به آن، نظم جدیدی را نه تنها در تنگه هرمز، بلکه در کل منطقه تعمیم می‌دهد که در بطن خود، در مقابله با نفوذ مشترک صهیونیستی–امریکایی موفق بوده است.

روایت مقاومت

روزنامه اینترنتی رسانه KHAMENEI.IR

لافزنی از زیر چرخ کامیون!

وقتی اقتصاد و معیشت خانوار در کشوری با اخلال مواجه می‌شود، نگاه‌های چپ اقتصادی در رسانه‌ها پررنگ شده و جریانات سیاسی سوسیالیستی طرفدار پیدا می‌کنند. این درست اتفاقی است که پس از جنگ‌افروزی امریکایی‌ها و حمله به ایران در ایالات متحده افتاده است. به همین خاطر، اخیراً اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری امریکا، مجبور شد در مصاحبه با نیوزمکس به افکار عمومی کشورش پاسخ دهد که چرا در این کشور، جنبش‌های سوسیالیستی تقویت شده‌اند و به تعبیر مجری برنامه، در حال تسخیر حزب دموکرات هستند.

«صدای ایران»، روزنامه اینترنتی رسانه KHAMENEI.IR در سرمقاله شماره ۴۲۱ خود، با اشاره به این مطلب نوشته است: مصاحبه بیشتر مصرف داخلی دارد، پر است از اعتراضات وزیر خزانه‌داری در مورد وضعیت بد اقتصاد و معیشت در امریکا و وعده‌های پوچ بهبود اوضاع اقتصادی در آینده. بسنت خود در اعتراضی آشکار می‌گوید: «حساس می‌کنم پزشک اورژانس مستمس؛ بیمار (اقتصاد امریکا) با کامیون زیر گرفته شده بود و نخستین کار ما تثبیت وضعیت او بود. اکنون داروی درست را تجویز کرده‌ام و اوضاع به تدریج بهتر می‌شود.»

وزیر خزانه‌داری از سیاست اخراج نیروی کار مهاجر از امریکا دفاع می‌کند و می‌گوید: «وقتی مهاجران غیرقانونی را از بازار کار خارج می‌کنید، دستمزد طبقه کارگر بالا می‌رود؛ وقتی آنها را به کشورهایشان بازمی‌گردانید، اجاره‌بها کاهش می‌یابد.» مجری برنامه نیز در تأیید حرف او می‌گوید: «روند اخراج از کشور احتمالاً یکی از عواملی است که می‌تواند به کاهش بدهد در بازار مسکن کمک کند. مسکن بدترین وضعیت را داشته؛ قیمت‌ها جهش کرده‌اند و کسی توان خرید خانه ندارد. همین مسئله، به گمان من، روحیه نسل جوان را خرد می‌کند:

اینکه سی‌ساله باشید و همچنان مستأجر. احساس خوبی نیست.» این فضای بحث‌پویر خزانه‌داری کشوری است که تلاش می‌کند روند افول هژمونی‌اش را کند کند؛ کشوری با مداخلات گسترده سیاسی و نظامی در اقصی‌نقاط دنیا، در حالی که اقتصادش مثل بیماری است که با کامیون

زیر گرفته شده، قیمت‌ها، به‌ویژه قیمت انرژی، در آن جهش کرده و کسی توان خرید خانه را ندارد. هر چه گفتی، بسنت پس از طرح ادعاهای کذب و اغراق‌شده در مورد اثر تحریم‌ها بر اقتصاد ایران گفت: «هفته آینده منتظر اعلامیه‌های بیشتری باشید، زیرا اقداماتی اعمال خواهیم کرد که مانند آن در تاریخ انزوای اقتصادی یک کشور دیده نشده‌است.» اما چرا این ادعا، یک لاف سیاسی است و تلاش‌های مستمر نیکیان قذرفی جامعه امریکایی است؟ بسنت در همین مصاحبه، در یک ادعای کاملاً غیرعلمی، برای چندمین بار اعا کرده است که تحریم‌های امریکا باعث فروپاشی یک بانک بزرگ در ایران شده است. در حالی که انحلال یک بانک امریکا چیزی است که برای آمریکا و جهان به نفع است و هیچ ربطی به تحریم‌ها نداشته است. فریاد انحلال بانک‌های کثرت‌کار در در همه کشورها امری در سده است که در خود امریکا در سال ۲۰۲۶ با بانک منحل شدند. از این دروغ که بگذریم، اساساً مگر چیزی مانده که در ایران تحریم نشده باشد؟! گزارش‌های وزارت خزانه‌داری نشان می‌دهد که تنها در سال ۲۰۲۵، بیش از ۷۵۵ شخص، کشتی و هواپیما در ارتباط با ایران تحریم شده‌اند. از اینجا به بعد، فقط در صورتی فشارهای جدید امریکا کارگر می‌آید که بتواند طرف‌های ثالث را مجاب کند تا ایران تجارت و مراودات اقتصادی نداشته باشند و واقعیت این است که سایر قدرت‌ها، حرف یک قدرت قوت‌تر در حال افول را گوش نمی‌کنند. تجربه سفر ترامپ به یکن پیش روی ماست؛ جایی که از شی، رئیس‌جمهور چین، خواست چین از ایران نفت نخرد و با پاسخ منفی مواجه شد. واقعیت این است که زمان در تنگه هرمز به نفع امریکایی‌ها نیست. ذخایر استراتژیک نفت ایالات متحده برای اولین بار پس از ۱۹۸۳ به زیر ۲۰۰ میلیون تن رسیده است. بنابراین، این کشتی‌های نمی‌توانند برای تثبیت قیمت نفت را در بازارهای جهانی کنترل کنند. بسنت در همین مصاحبه گفت: «درگیری ایران باعث جهشی موقت در قیمت انرژی شده است. از این مرحله عبور می‌کنیم و قیمت‌ها کاهش خواهند یافت.» او اما توضیح نداد با توجه به به‌مشکل جدی در ذخایر، امریکا چگونه چین از این وضعیت منفی نجات می‌دهد؟!

قیمت در بازارهای جهانی، با حرف درمانی وزرای امریکا کاهش نخواهد یافت و امریکا باید بدبیرد دوره‌ای که قدرت بلامنافع اقتصادی در جهان، بدست می‌یابد یاقته. اگر می‌خواهد اقتصاد بیماراش را به اعتراف بسنت (وزیر خزانه‌داری) گویی با کامیون زیر گرفته شده، درمان شود و جوانانش در حسرت‌خاندان شدن پیر نشوند، راهش این است که پایش را (مداخلات سیاسی و نظامی) از گلیشم (توان اقتصادی امریکا) دراز‌تر نکند و به حاکمیت ایران در تنگه هرمز احترام بگذارد. گرافه‌گویی‌های مکرر، چاقوی حریف درمانی را حتی برای مصرف داخلی در ایالات متحده کندتر خواهد کرد.

گزاره‌های غیر

عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس:

رئیس‌جمهور امریکا خیال تصرف تنگه هرمز را به کور خواهد برد

عضویت رئیس‌ه کمیسیون امنیت ملی مجلس، با واکنش به ادعای رئیس‌جمهور امریکا مبنی بر اینکه به‌زودی تنگه هرمز را قلمرو امریکا اعلام خواهد کرد، گفت: این اظهارات نشان‌دهنده توهم و رفتارهای غیرعقلانی ترامپ است.

امیر حیات‌مقدم در گفت‌وگو با خانه ملت، در واکنش به ادعای ترامپ مبنی بر اینکه به‌زودی تنگه هرمز را قلمرو امریکا اعلام خواهد کرد، گفت: رفتارها و اظهارات دواالت ترامپ در بسیاری از موارد، رفتارهای غیرعقلانی است و این گونه سخنان، بیش از آنکه مبتنی بر واقعیت باشد، ناشی از توهم و زیاده‌خواهی است. عضو هیئت‌رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی اظهار کرد: در تنگه هرمز قیمت انرژی و تجارت نزدیک راهبردی خلیج فارس و در مجاورت سرزمین ایران است و امریکا نمی‌تواند با طرح ادعاهای غیرواقعی، برای این منطقه تعیین تکلیف کند. وی بیان کرد، حتی تواناسته در تنگه هرمز نزدیک خود و نیروهای نظامی امریکا در فاصله حدود ۷۰ تا ۸۰۰ کیلومتری این منطقه مستقر هستند و از همین فاصله تلاش می‌کنند برای تردد کشتی‌های تجاری و نفتکش‌ها ایجاد مزاحمت کنند. حیات‌مقدم افزود: امریکایی‌ها اگر توانایی و جرئت نزدیک شدن به تنگه هرمز را ندارند، چگونه می‌خواهند درباره قلمرو این منطقه راهبردی ادعا مطرح کنند؟! این‌گونه اظهارات، صرفاً نشان‌دهنده فاصله میان ادعاهای واشینگتن و واقعیت‌های میدانی است. وی تصریح کرد: ترامپ پیش از این نیز اظهارات مشابهی درباره کانادا و گرینلند مطرح کرده بود که با واکنش و تعجب افکار عمومی جهان مواجه شد و ادعای اخیر وی درباره تنگه هرمز نیز در همین چارچوب قابل ارزیابی است. جمهوری اسلامی ایران در دفاع از امنیت و منافع ملی خود جدی است و اجازه نخواهد داد هیچ قدرت خارجی برای مناطق راهبردی پیرامون کشور تعیین تکلیف کند. عضو هیئت‌رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس خاطرنشان کرد: بهتر است مقامات امریکایی به جای طرح ادعاهای غیرواقعی و تنش‌زا، واقعیت‌های منطقه را بپذیرند، چراکه امنیت خلیج فارس و تنگه هرمز با حضور و دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای تأمین نخواهد شد.